

### متن پرسش

با سلام و احترام: مدتی بود، از کسی درون خودم متنفر بودم، به شکلی که دوست داشتم جایی باشم که او نباشد، گویا حضورش سنگین و خسته کننده بود، چیزی بود عین من، ولی در عین حال جدای از من، وحدت در عین دوییت. اما الان دلم برایش می‌سوزد، وقتی حال آن کسی که در عین وحدت با من از من جدایی دارد، سختی زیاد کشیده، ولی چیزی بوده که نخواستہ باشد، تلاش برای تبدیل شدن به کسیکه خوب است کرده ولی حد توانش همین است، الان می‌بینم که خسته هست، از نفس افتاده ولی باز هم راه بجایی ندارد. حتی از اینکه روزی ازش نفرت داشتم شرمندم، انگار خیلی گناه داشته، خیلی تنهاس. هر چند نمی‌دانم این همان است که من ازش نفرت داشتم، یا مجزاست از او. برایم سوال است، ۱. این کسی که در من است و با من است و عین من است ولی از من جداست کیست؟ ۲. آیا اون چیزی که ازش متنفر بودم و این چیزیکه دلم برایش می‌سوزد، دو ماهیت متفاوت دارند؟ ۳. آن نفرت و این دلسوزی چیست؟ ۴. باید با این حس چه کرد؟ با تشکر از لطف شما

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده چیزی در این مورد نمی‌دانم. موفق باشید